

تاریخ ارسال: ۱۴۰۰/۴/۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۸/۱۷

doi 10.22034/nf.2022.139852

## بررسی چند رباعی منسوب به رودکی

سید علی میرافضلی\* (پژوهشگر متون ادبی)

چکیده: رودکی سمرقندی را مُبدع رباعی فارسی می‌دانند و داستان آن را شمس قیس رازی به‌نیکی روایت کرده‌است. متأسفانه از رودکی دیوانی منسجم، که دربردارنده اشعار اصلی و صحیح‌النسب او باشد، به جا نمانده است؛ و آنچه در دست داریم اشعاری است که دیگران از منابع مختلف گردآوری کرده‌اند. کتاب محیط زندگی و احوال و اشعار رودکی، که سعید نفیسی در طی دو نوبت ویرایش و تدوین کرده (۱۳۰۹ و ۱۳۳۴ ش)، تا امروز منبع اصلی اشعار منسوب به رودکی به شمار می‌رود. اشعاری که به نام رودکی در این کتاب گردآوری شده، در بسیاری از منابع، به نام شاعران دیگر هم دیده می‌شود. تازه‌ترین پژوهش درباره اشعار رودکی کتاب سروده‌های رودکی اثر علی رواقی است. در مقاله حاضر، به‌مناسبت انتشار این کتاب، چند رباعی منسوب به رودکی را که در این اثر آمده بررسی کرده و نشان داده‌ایم که اغلب آن‌ها را نمی‌توان سروده رودکی شمرد. کلیدواژه‌ها: رودکی، رودکی سمرقندی، رباعیات رودکی، رباعیات سرگردان، علی رواقی، سعید نفیسی.

### مقدمه

استادالشعراء، ابوعبدالله رودکی سمرقندی، بنا به روایت شمس قیس رازی، مُبدع رباعی فارسی است و وزن رباعی را از زبان یکی از کودکان برگرفت که در کوچه‌ای در غزنین گردوبازی می‌کرد و می‌گفت: «غلطان غلطان همی‌رود تا بُنِ گُو» و، بر قیاس آن، سه مصراع دیگر سرود و قالب رباعی را آفرید

---

\* alimirafzali@yahoo.com

(شمس قیس رازی، ص ۱۱۲-۱۱۴)<sup>(۱)</sup>. شگفت آنکه در هیچ کدام از منابع قدیمی از قبیل تاریخ بیهقی، لغت فرس اسدی، تاریخ سیستان، و لباب الالباب عوفی، در میان اشعاری که از رودکی نقل کرده‌اند، رباعی‌ای یافت نمی‌شود تا بر قول شمس قیس تأییدی نهد؛ حتی خود او نیز در المعجم فی معاییر اشعار العجم، در میان شعرهایی که از رودکی آورده، رباعی‌ای از رباعیات رودکی درج نکرده‌است تا سخنش باورپذیر آید.

سیدالدین عوفی، که در نقل اشعار شاعران قدیم به رباعیات آنان توجه خاص داشته، در فصل مربوط به شاعران دوره صفاری و طاهری و سامانی، از قبیل شهید بلخی، رودکی، قرااوی، دقیقی طوسی، و منجیک ترمذی، جز یک رباعی که به نام ابوشکور بلخی آورده (نک. عوفی، ص ۴۰۲)، هیچ رباعی‌ای نقل نکرده‌است. در کتاب ارجمند نزهة المجالس، که دربردارنده ۴۰۰۰ رباعی از ۳۰۰ شاعر فارسی‌زبان است، هیچ رباعی‌ای به نام رودکی دیده نمی‌شود. مفهوم این سخن آن است که منابع تا اواسط قرن هفتم هیچ رباعی‌ای به اسم رودکی و شاعران هم‌عصر او ضبط و ثبت نکرده‌اند یا، دست کم، در اختیار نداشته‌اند. دیگر رباعی‌نامه‌های کهن مثل سفینه کهن رباعیات، مجمع الرباعیات آنقروی، خلاصة الأشعار فی الرباعیات مسعود تبریزی، و سفینه‌هایی مثل مونس الأحرار و دقایق الأشعار، روضة الناظر و نزهة الخاطر، جنگ گنج‌بخش، سفینه اشعار سعدالدین آلهی، سفینه ترمذ محمد بن یغمور، انیس الوحدة و جلیس الخلوة گلستانه، مجموعه لطایف و سفینه ظرایف سیف جام هروی و چندین اثر دیگر نیز چنین وضعی دارند. البته، منابع متأخر این نقیصه را با آوردن رباعیات بی‌اصل و نسب جبران کرده‌اند.

از رودکی دیوانی به جای است؛ و آنچه به نام او فراهم کرده‌اند از متون و منابع پراکنده ادبی و تاریخی، تذکره‌ها، و مجموعه‌های شعر برگرفته شده‌است. نخستین تحقیق جدی در اشعار رودکی را سعید نفیسی انجام داده که زیر عنوان محیط زندگی و احوال و اشعار رودکی چندین بار به چاپ رسیده و بسیاری از کتاب‌های بعدی وام‌دار این اثرند. او، برای گردآوری اشعار منسوب به رودکی، به ۹۳ منبع مراجعه کرده و فهرست آن‌ها را در مقدمه کتاب و مدخل اشعار آورده‌است. در این کتاب، ۳۴ رباعی کامل به نام رودکی به چشم می‌خورد. طبق اشاره نفیسی، «بیشتر این رباعی‌ها در سفینه‌ها و کتاب‌های متأخر آمده‌است و، به همین جهت، در انتساب آن‌ها به رودکی شک دارم؛ چنان‌که در پاره‌ای از آن‌ها کلمات و ترکیبات و معانی‌ای هست که به سخن رودکی نمی‌ماند. اما چون راه تحقیق بسته است، نمی‌توان حکم قطعی کرد». (نفیسی ۲، ص ۵۱۸)<sup>(۲)</sup>

آخرین پژوهشی که درباره اشعار رودکی منتشر شده کتاب سروده‌های رودکی اثر علی رواقی است که انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی آن را به تازگی عرضه داشته‌است. همان‌گونه که

از پیشینه پژوهشی و احاطه علمی مؤلف بر مبحث لغت‌شناسی می‌سزد، کتاب سرشار از تعلیقات و یادداشت‌های لغوی سودمند و راهگشاست.

در کتاب سروده‌های رودکی، ۹۱۹ بیت از اشعار منسوب به رودکی گرد آمده‌است. مؤلف ۱۹۳ بیت از اشعار دیگران را نیز، که با اشعار رودکی در هم آمیخته بوده، شناسایی کرده و جداگانه در دنباله اشعار او آورده‌است. رواقی فهرست ۲۹ کتابی را که در تصحیح متن از آن‌ها بهره برده‌است در مقدمه کتاب یاد کرده (رواقی، صفحات بیست‌وسه - بیست‌وچهار)؛ و شگفت‌آنکه برخی منابع کهن و بااهمیت مثل ترجمان‌البلاغه رادویانی، حدائق‌السحر رشید و طواط، و معیار‌الاشعار خواجه نصیرالدین طوسی در این فهرست جایی ندارند. اما شگفت‌تر آنکه نشانی هر شعر را در متون مورد استفاده مشخص نکرده‌اند و خواننده نمی‌داند که این ۹۱۹ بیت از کجا انتخاب شده‌اند. البته، در پانویس اشعار، گاهی به سبب ذکر اختلاف نسخه‌ها، اشاراتی به برخی منابع شده که فاقد جامعیت است و معلوم نمی‌دارد که مابقی منابع آن شعر کدام‌اند. همچنین، انتظار می‌رفت در یادداشت‌ها به اشعار منسوب به رودکی که در کتب قدیمی به عنوان شاهد سخن آمده (بی‌ ذکر نام گوینده) اشارتی می‌شد؛ فی‌المثل، آنچه در کتاب‌هایی نظیر اسرارالتوحید آمده‌است<sup>(۳)</sup>. علت غفلت از چنین کار واجبی به کلی بر این نگارنده پوشیده‌است. البته، گاهی اشارت مختصری در تعلیقات و پانویس‌ها و کتابنامه هست و این معلوم می‌دارد که مؤلف به این گونه منابع نظر داشته، ولی ذکر تک‌تک آن‌ها را واجب ندانسته‌است.

سروده‌های رودکی مشتمل بر ۲۵ رباعی است که مأخذ هیچ کدام بر خواننده روشن نیست. در بخش سروده‌های منسوب به رودکی نیز ۱۱ رباعی دیگر آمده که رواقی نام گوینده اصلی آن‌ها را آورده‌است. این رباعیات متعلق به انوری، عنصری، قطران، مسعود سعد، و کسای مروزی است. نکته درخور توجه این است که در میان ۲۵ رباعی‌ای که از آن رودکی تشخیص داده شده نیز رباعیاتی هست که در منابع به نام دیگران است و در هیچ جای کتاب توضیحی نمی‌بینیم که با چه معیاری آن ۱۱ رباعی از رودکی سلب نسبت شده و، به چه دلیل، دیگر رباعیات سرگردان به قوت خود باقی مانده‌اند.

ما، در این گفتار، نظر خود را در باب چند رباعی منسوب به رودکی بیان خواهیم داشت. به‌ناچار، منابع این رباعی‌ها را از چاپ نفیسی (ویراست دوم) می‌آوریم. همان‌طور که پیش‌تر گفتیم و نفیسی نیز اشاره داشته‌است، هیچ‌یک از رباعیات منسوب به رودکی در منابع قدیم نیست و اغلب متکی به تذکره‌های دوره صفوی مثل تذکره هفت‌اقلیم (امین‌احمد رازی، ۱۰۰۲ق)، عرفات‌العاشقین و عرصات‌العارفین (اوحدی بلیانی، ۱۰۲۴ق)، خیرالبیان (شاه‌حسین سیستانی، ۱۰۱۶ق)، و نیز تذکره‌های

متأثر از آن‌ها همچون ریاض الشعراء (والیه داغستانی، ۱۱۶۱ق)، آتشکده (آذر بیگدلی، ۱۱۹۳ق) و مجمع الفصحاء (هدایت، ۱۲۸۸ق) است. برخی سفینه‌های شعر از سده دهم تا سیزدهم هجری نیز جزء منابع رباعیات منسوب به رودکی اند. با چنین مآخذ متأخری، برای انتساب هر کدام از این رباعیات به رودکی، باید حجتی قوی و دلیلی محکم اقامه کرد. اهتمام بلیغی که مؤلف در تصحیح ابیات و کشف صورت درست کلمات به کار برده، به راستی، آموزنده و الگوی پژوهشگران است. اما، پیش‌تر از هر چیز، مخاطب باید از صحت انتساب این اشعار به رودکی اطمینان حاصل کند؛ و رسیدن به این مایه از اطمینان نیازمند همان مقدار توجه و تحقیق است. مستندسازی اشعار و اقناع مخاطب در انتساب‌ها بحث بااهمیتی است و فرونهادن آن نقصانی چشمگیر برای کتاب سروده‌های رودکی است.

#### رباعی ۱

در رهگذر باد، چراغی که تو راست  
ترسم که بمیرد از فراغی که تو راست  
بوی جگر سوخته عالم بگرفت  
گر نشیدی، زهی دماغی که تو راست!

(نفیسی ۲، ص ۵۱۴؛ رواقی، ص ۴۰)

رباعی، با تفاوت‌هایی در بیت دوم، در دیوان سنایی دیده می‌شود (سنایی غزنوی ۱، ص ۶۸۴ و ۱۱۱۴؛ همو ۲، برگ ۲۹۰ ر). ضبط رباعی در دیوان سنایی چنین است:

بر رهگذر باد، چراغی که تو راست  
ترسم بنشیند از فراغی که تو راست  
بنشاند هم آب اجل آتش تو  
بر باد دهد خاک دماغی که تو راست

در هر دو منبع مذکور، رباعی دیگری آمده که مؤید انتساب رباعی یادشده به سنایی است (همو ۱، ص ۱۱۵۲؛ همو ۲، برگ ۲۹۰ ر):

بر دل ز پی فراق داغی دارم  
وز یافتن کام، فراغی دارم  
با این همه، پرهوس دماغی دارم  
بر رهگذر باد، چراغی دارم

نفیسی رباعی مورد اشاره را به اعتبار «سفینه‌های اشعار فارسی»، که مشخصاتشان معلوم نیست، به نام رودکی کرده ولی در صحت انتساب رباعی به رودکی تردید داشته است: «این رباعی در دو سفینه مختلف به نام رودکی آمده است ولی مشکوک است از او باشد؛ زیرا که، در مصرع چهارم، کلمه 'دماغ' به معنی 'بینی' آمده است و گمان ندارم در زمان رودکی این معنی را داشته بوده است» (نفیسی ۲، ص ۵۱۴)<sup>(۴)</sup>. او، در ویراست دوم اثر، کتاب ابو عبد الله رودکی میرزایف را نیز به منابع خود افزوده و به نظر می‌رسد منبع میرزایف نیز ویراست نخست کتاب نفیسی باشد. (نک. میرزایف، ص ۵۰۵)<sup>(۵)</sup>

## رباعی ۲

جایی که گذرگاه دل محزون است      آنجا دوهزار نیزه بالا خون است  
لیلی صفتان ز حال ما بی خبرند      مجنون داند که حال مجنون چون است

(نفیسی ۲، ص ۵۱۴؛ رواقی، ص ۴۰)

این رباعی را نفیسی بر مبنای «سفینه‌های اشعار فارسی» نقل کرده است. در دیگر منابع هم از نفیسی نقل شده است. رباعی به شیخ بهایی (وفات: ۱۰۳۱ ق) هم منسوب است (واله داغستانی، ج ۱، ص ۳۹۲). با توجه به اینکه شمس تبریزی بیت دوم رباعی را در مقالات خود ذکر کرده (شمس تبریزی، ص ۷۲۱)، انتساب آن به شیخ بهایی مردود است. اما در باب صحت انتساب رباعی به رودکی نیز اطمینان چندانی نمی توان داشت. ضبط بیت دوم در مقالات شمس نشان می دهد که گذر روزگار چه بر سر زبان رباعی آورده است:

مر لیلی را ز حال مجنون چه خبر؟      مجنون داند که حال مجنون چون است

## رباعی ۳

دل خسته و بسته مسلسل مویی ست      خون گشته و گشته بت هندویی ست  
سودی نکند نصیحت ای واعظ      این خانه خراب طرفه یک پهلویی ست

(نفیسی ۲، ص ۵۱۴؛ رواقی، ص ۴۰)

نفیسی رباعی را براساس مأخذی کم مایه، یعنی مقاله هرمان اِتیّه، وارد مجموعه اشعار رودکی کرده است. سایر منابع ظاهراً به نقل نفیسی اعتماد کرده اند. نکته ای که ما را در صحت انتساب رباعی به رودکی به تردید می اندازد زبان رباعی است که به هیچ وجه با سبک سخنوری گویندگان دوره سامانی همخوانی ندارد. رواقی — که، در تعلیقات هر بیت، شواهد متعدد از متون نظم و نثر در باب لغات شاذ و رایج آن آورده — از واژه های این رباعی فقط «طرفه» و «یک پهلوی» را بدون ذکر شواهد معنی کرده است. «یک پهلوی» کنایه از یک دنده و لجوج است. به نظر می رسد این اصطلاح در دوره صفوی رایج شده و فرهنگ هایی چون فرهنگ آندراج و بهار عجم معنی آن را با شواهدی از شعر سبک هندی، از جمله صائب تبریزی، نقل کرده اند (محمدپادشاه، ج ۳، ص ۸۳۹؛ لاله نیک چند بهار، ج ۳، ص ۲۱۶۲؛ نیز نک. گلچین معانی ۲، ج ۲، ص ۷۸۳). من در متون قدیم چنین کنایه ای نیافتم و قطعاً، اگر بود، رواقی از ذکر آن چشم نمی پوشید.<sup>(۶)</sup>

## رباعی ۴

تقدیر که بر کشتنت آزم نداشت      بر خُسن و جوانیت دل نرم نداشت

اندر عجبم ز جانستان کز چو تویی جان پستد و از جمال تو شرم نداشت

(نقیسی ۲، ص ۵۱۴؛ رواقی، ص ۴۰)

رباعی را نقیسی بر اساس «سفینه‌های اشعار فارسی»، «سفینه اشعار متعلق به اقبال»، ریاض الجنته زُنوزی، و نظم گزیده صادق تبریزی به نام رودکی کرده است. رباعی در دیوان مجدالدین همگر شیرازی (وفات: ۶۸۶ق) آمده (نک. مجد همگر ۱، ص ۶۹۰) و در تذکره خلاصة الأشعار هم جزء اشعار مجد همگر ذکر شده است (نک. تقی الدین کاشی، برگ ۳۸۹ ر). سعدالدین آلهی نیز رباعی را، با تغییراتی، در مجموعه رباعیات آورده؛ ولی فاقد نام گوینده است (نک. آلهی، برگ ۳۲ پ). با توجه به منابع متأخری که رباعی منسوب به رودکی دارد، انتساب آن به مجد همگر درست تر است.

#### رباعی ۵

بی روی تو خورشید جهان سوز مباد هم بی تو چراغ عالم افروز مباد  
با وصل تو کس چو من بدآموز مباد روزی که تو را نبینم آن روز مباد

(نقیسی ۲، ص ۵۱۵؛ رواقی، ص ۴۰)

منبع رباعی مذکور «سفینه اشعار متعلق به عباس اقبال» است و، به گمان من، همان جنگ اشعار شماره «۵۳ د» کتابخانه ادبیات دانشگاه تهران است که در سده یازدهم یا دوازدهم فراهم آمده. منبع بعدی رباعی آثار ابو عبد الله رودکی چاپ تاجیکستان است که، تمام و کمال، متکی به چاپ اول کتاب نقیسی است. در واقع، این رباعی یک منبع بیشتر ندارد. ما رباعی را در دیوان اهلی ترشیزی می‌یابیم (نک. اهلی ترشیزی ۱، ص ۵۸۹). در دست‌نویسی از دیوان اهلی، که به شماره ۸۳۳۸ در دانشگاه تهران نگهداری می‌شود و در ۹۳۳ ق (یک سال بعد از مرگ شاعر) کتابت شده، این رباعی موجود است (نک. همو ۲، برگ ۴۸ ر) و، به احتمال بسیار، گوینده رباعی اوست نه رودکی.

#### رباعی ۶

زلفش بکشی، شب دراز اندازد و ربگشایی، چنگل باز اندازد  
ورپیچ و خمش ز یکدگر بگشایند دامن دامن مشک فراز اندازد

(نقیسی ۲، ص ۵۱۵؛ رواقی، ص ۴۱)

منبع این رباعی نیز «سفینه‌های اشعار فارسی» است. ردیف رباعی، مطابق منابع کهن، «آید از او» است و «اندازد» حاصل بدخوانی است. در نزهة المجالس، رباعی مذکور، به همراه یک رباعی دیگر، در همین طرح ردیف و قافیه نقل شده است (شروانی، ص ۲۶۸):

### ظهِیرِ شَفَرُوهِ

زلفش که نگارِ صد طراز آید از او      جان و دل را محرم راز آید از او  
 تازی که به نوک شانه باز آید از او      عالم عالم فتنه فراز آید از او

### لِغَیْرِهِ

زلفش بکشم، شبِ دراز آید از او      و ر باز هلم، چنگلی باز آید از او  
 ورگرد به آستین از او بُشّانم      دامن دامن مشک فراز آید از او

اتّفاقی در روضه‌النّاظر هم رباعی مورد اشاره با رباعی‌ای از همان طرح نقل شده است (عزّالدّین عبدالعزیز کاشی، برگ ۲۶۸ ر):

### غیره

آن لب که حدیث دل نواز آید از او      جامی ست که جانِ رفته باز آید از او  
 دشنام دهد، هزار ناز آید از او      لب خنده زند، شکر فراز آید از او

### آخر

زلفش بکشی، شبِ دراز آید از او      و ر باز هلی، چنگل باز آید از او  
 و ر حلقه و پیچ او ز هم باز کنی      خرمن خرمن مشک فراز آید از او

به نظر من، پشت سر هم آمدن این رباعیات، در هر دو منبع، خالی از تأمل و علّتی نیست. هم شروانی و هم عزّالدّین کاشی رباعیات چهارقافیه‌ای را بر رباعی سه‌قافیه‌ای منسوب به رودکی مقدّم داشته‌اند؛ و مفهومی این است که این رباعی بعد از آن دو رباعی سروده شده و محصول سده هفتم هجری است و، در هر صورت، عمرش به دوران رودکی سمرقندی نمی‌رسد. رباعی مورد نظر، در مجموعه رباعیات سعدالدّین نیز، که از یادگاران سده هشتم هجری است، مطابق روایت نُزّهة‌المجالس و بدون ذکر نام گوینده نقل شده است. (نک. آلهی، برگ ۴۵ پ)

### رباعی ۷

در جُستن آن نگارِ پُرکینه و جنگ      گشتیم سراپای جهان با دل تنگ  
 شد دست ز کار و رفت پا از رفتار      این بس که به سر زدیم و آن بس که به سنگ

(نقیسی ۲، ص ۵۱۵؛ رواقی، ص ۴۱)

منبع این رباعی بیاض اشعار کتابخانه سلطنتی برلین، ریاض الجنّة زُنوزی، و نظم گزیده صادق تبریزی است. در عرفات‌العاشقین، رباعی به اسم سلونی اردستانی (از شاعران هم‌عصر مؤلف) آمده و گواهی او درباره یکی از شاعران آن روزگار درخور توجّه است (اوحدی بلیانی، ج ۳، ص ۱۷۶۱؛ واله داغستانی، ج ۲، ص ۱۰۰۲). در تذکره هفت‌اقلیم به نام فدایی لاهیجی ثبت شده است

(امین احمد رازی، ج ۲، ص ۱۲۹۴). زبان رباعی به شاعران متأخر شباهت بیشتری دارد.

## رباعی ۸

در عشق توام نه صبر پیداست نه دل بی روی توام نه عقل برجاست نه دل  
این غم، که مراست، کوه قاف است نه غم این دل، که تو راست، سنگ خارا است نه دل

(نقیسی ۲، ص ۵۱۶؛ رواقی، ص ۴۱)

منبع رباعی «سفینه اشعار متعلق به اقبال» است. طرح قافیه و ردیف رباعی، برای شاعری که از آوردن ردیف پرهیز دارد یا به ردیف‌های فعلی ساده گرایش دارد، قدری غریب است. رباعی در دیوان مجدالدین همگر شیرازی موجود است (نک. مجد همگر ۱، ص ۷۷۰) و در دست‌نویسی که نوه شاعر در ۶۹۷ق در تبریز نگاشته است نیز هست (نک. همو ۲، برگ ۱۴۸ر)؛ ضمن آنکه در تذکره خلاصة الأشعار هم جزء اشعار مجد همگر به ثبت رسیده است. (نک. تقی‌الدین کاشی، برگ ۳۸۹ر)

## رباعی ۹

در منزل غم فکنده مفرش ماییم وز آب دو چشم، دل پُر آتش ماییم  
عالم چو ستم کند، ستم کش ماییم دستِ خوش روزگارِ ناخوش ماییم

(نقیسی ۲، ص ۵۱۶؛ رواقی، ص ۴۱)

نقیسی، با استفاده از چهار منبع، رباعی را به رودکی منتسب کرده است: تذکره هفت اقلیم، مجمع‌الفصحاء، منتخبات فارسی شفر، و مقاله هرمان اِته. پیداست که رباعی یک منبع بیشتر ندارد و آن تذکره هفت اقلیم است (نک. امین احمد رازی، ج ۳، ص ۱۵۱۹) و دیگران آن را از همین منبع برگرفته‌اند. شگفت آن است که خود نقیسی رباعی را در دیوان رشیدالدین وطواط به ثبت رسانده است (نک. رشید وطواط ۱، ص ۶۱۷). در دو دست‌نویس معتبر، یکی مجموعه دواوین مورخ ۶۹۹ق کتابخانه جستریبی (همو ۲، برگ ۲۲۴پ) و دیگری رسایل و اشعار رشید که در ۷۲۷ق کتابت شده (همو ۳، برگ ۸۹ر)، رباعی به نام رشید آمده و در صحت انتساب آن به او تردیدی نیست؛ ضمن آنکه در جنگ اشعار شماره ۹۰۰ کتابخانه مجلس هم رباعی به نام رشید دیده می‌شود (نک. سفینه نوح، ۱۱۰ر). این جنگ در سده هشتم هجری کتابت شده است.

## رباعی ۱۰

چرخ کجه باز تا نهان ساخت کجه با نیک و بد دایره درباخت کجه  
هنگامه شب گذشت و شد قصه تمام طالع به کفم یکی نینداخت کجه

(نقیسی ۲، ص ۵۱۷؛ رواقی، ص ۴۲)



منبع رباعی «سفینه‌های اشعار فارسی»، «سفینه اشعار متعلق به اقبال»، و تذکرة عرفات العاشقین است. من حدس می‌زنم که سرمنشأ دو انتساب اوّل همان تذکرة عرفات العاشقین باشد (نک. اوحدی بلیانی، ج ۳، ص ۱۴۳۷). «کجه»، طبق آنچه در فرهنگ‌های لغت متأخر ذکر شده، انگشتی بی‌نگین است که با آن گل یا پوچ بازی کنند (انجوشیرازی، ج ۱، ص ۷۲۸؛ برهان تیریزی، ج ۳، ص ۱۶۰۰؛ تنّوی، ج ۲، ص ۱۱۰۷). چنان‌که به‌روشنی از یادداشت‌های رواقی و شواهد شعری این لغت برمی‌آید، این لغت، جز در دوره صفوی و اشعار شاعران آن دوره، بازتابی در متون قدیم ندارد. همان‌طور که باید به‌دقت به اقلیم جغرافیایی زبان توجه کرد، تاریخچه به‌کارگیری لغات هم باید مدّ نظر باشد. از تاریخچه کاربرد این کلمه برمی‌آید که چنین لغتی متعلق به دوره رودکی و حتی چندین سده بعد از آن نیست. ظهور این اصطلاح در شعر شاعران ایرانی مهاجر به هند، از قبیل ظهوری ترشیزی، کلیم همدانی، شاپور تهرانی، پیامی کرمانی، و چند تن از شاعران فارسی‌زبان دیار هند مانند جویای کشمیری، فضل لکهنوی، رایج سیالکوتی، و منیر لاهوری (نک. محمّدپادشاه، ج ۲، ص ۱۰۴۸؛ لاله تیک‌چند بهار، ص ۱۶۷۸)، ذهن را به این سمت می‌برد که شاید خاستگاه لغت «کجه» و «کجه‌بازی» شبه قاره هند باشد.<sup>(۷)</sup>

## رباعی ۱۱

چون کار دلم ز زلف او ماند گره      بر هر رگ جان صد آرزو ماند گره  
 امید ز گریه بود، افسوس افسوس      کآن هم شب وصل در گلو ماند گره

(نفیسی ۲، ص ۵۱۷؛ رواقی، ص ۴۲)

نفیسی، برای این رباعی، ۱۳ منبع معرفی کرده‌است: تذکرة آتشکده، دیوان رودکی (چاپ تهران)، خرابات، شمع انجمن، مجمع الفصحاء، نمونه ادبیات تاجیک، منتخبات فارسی شفر، شعرا العجم، «سفینه اشعار متعلق به اقبال»، مقاله هرمان اِته، عرفات العاشقین، تذکرة ریاض الشعراء، و تذکرة خلاصة الأفكار. شبیه رباعی قبلی، همه این منابع در یک مأخذ ریشه دارد و آن تذکرة عرفات العاشقین است (نک. اوحدی بلیانی، ج ۳، ص ۱۴۳۷). آن‌که در تذکرة‌های فارسی مطالعه کرده باشد می‌داند که تذکرة‌نویسان متأخر کاری جز رونویسی از کتاب‌های یکدیگر نکرده‌اند و تکرار یک شعر در چند تذکرة از این دست به معنی تواتر اسناد نیست<sup>(۸)</sup>. بنابراین، قدیمی‌ترین سند ما برای این رباعی یک تذکرة از دوره صفوی است.

منبع اوحدی بلیانی، در نقل اشعار رودکی، اوّل تذکرة لباب‌الالباب، سپس تاریخ بیهقی و در آخر منابع ناشناسی است که معرفی نکرده‌است. اشعاری که او از منابع ناشناس آورده با دیگر اشعار رودکی مابین آشکار دارد؛ برای مثال، سه بیت شعر با ردیف «لیسد» به رودکی بسته که

در طرز شاعران متفطن دوره تیموری و بعد از آن می‌گنجد. متأسفانه، نفیسی و رواقی نیز بدین شعر، که با اشعارِ بااصل و نسب رودکی ناهم‌تراز است، تن در داده‌اند. در باب رباعی مورد نظر باید گفت که ساخت زبانی آن جز در منظومه زبانی شاعران سبک هندی قابل تصوّر نیست. گره‌شدن آرزو در رگ یا گره‌شدن اشک در گلو از تصاویر آشنایی است که در شعر صائب و امثال او بارها به کار رفته است. این شاهد را من از فرهنگ اشعار صائب برگزیده‌ام: «ز گریه‌ای که مرا در گلو گره گردد/ سپهر سفله کند کم ز آب‌ودانه من»<sup>(۹)</sup> (گلچین معانی ۲، ج ۲، ص ۶۳۰). عرفی شیرازی گوید: «دم مردن گره شد در گلویم گریه، چون دیدم/ که جان رو بر قفا می‌رفت از شوق جمال او». (عرفی شیرازی، ج ۲، ص ۸۱۸)

باید افزود که ردیف «گره» و خوشه‌های تصویری‌ای که از رهگذر تلفیق آن با دیگر کلمات رباعی پدید آمده شباهت تام به شگردهای شاعران سبک هندی دارد؛ و مؤید آن رباعی‌ای است از ظهوری ترشیزی، شاعر صاحب‌سبک آن روزگار (وفات: ۱۰۲۵ق)، که «گره» را در ردیف آورده است (ظهوری ترشیزی، ص ۱۵۸):

|                               |                                              |
|-------------------------------|----------------------------------------------|
| بی بزم تو گل در دل خس بود گره | تا گفت بگفت از تو نفس بود گره                |
| عقد گه‌ری حمایلت کرد آخر      | در سینه قلزم این هوس بود گره <sup>(۱۰)</sup> |

## رباعی ۱۲

|                                 |                               |
|---------------------------------|-------------------------------|
| با داده قناعت کن و با داد بزی   | در بند تکلف مشو، آزاد بزی     |
| در پنه ز خودی نظر مکن، غصه مخور | در کم ز خودی نظر کن و شاد بزی |

(نفیسی ۲، ص ۵۱۷؛ رواقی، ص ۴۳)

منبع این رباعی «سفینه اشعار متعلق به اقبال» است. نفیسی، در معرفی منابع خود، نهایت اجمال را به کار برده و چیزی درباره کم و کیف بسیاری از آن‌ها نگفته است. نمی‌دانیم که سفینه اقبال در کدام سده گرد آمده است، اما، به قراین منقولات آن، باید از سده دوازدهم هجری باشد<sup>(۱۱)</sup>. چنین منبعی نمی‌تواند انتساب رباعی را به رودکی موجه و مقبول نماید. رباعی، در کتاب بحرالفوائد، که از یادگاران قرن هفتم هجری است، بدون نام قائل آمده (صفری آق‌قلعه، ج ۲، ص ۱۳۱۶) و در بعضی منابع قرن هشتم از قبیل انیس‌الوحدة (گلستانه، ص ۱۱۴) و مجموعه رباعیات سعدالدین (آلهی، برگ ۱۹) نیز بی نام گوینده نقل شده است. نفیسی آن را جزء رباعیات باباافضل‌الدین کاشانی نیز ذکر کرده است (نک. باباافضل کاشانی، ص ۱۷۶). قدیم‌ترین منبع او عرفات‌العاشقین است (نک. اوحدی بلیانی، ج ۱، ص ۳۳۳). در تذکره هفت‌اقلیم هم رباعی به اسم باباافضل است (نک. امین‌احمد رازی، ج ۲، ص ۱۰۱۲) و ممکن است رباعی از این حکیم باشد.

شاعران سده ششم هجری به طرح قافیه و ردیف رباعی توجه داشته‌اند و اگر بگوییم گوینده

رباعی مورد نظر تحت تأثیر این فضا بوده، چندان بیراه نخواهد بود. پیش‌تر از همه، باید از معرّی نیشابوری یاد کرد (شروانی، ص ۱۱۷):

ای خواجه، تو در خرابت آباد بزی      گر داد نباشدت به بیداد بزی  
در هستی و نیستی چرا بندی دل؟      انگار که نیستی و آزاد بزی

این رباعی به خیّام منسوب است (یاراحمد رشیدی تبریزی، ص ۱۳۸):

چندین غم بیهوده مخور، شاد بزی      و آن‌در ره بیداد، تو با داد بزی  
چون آخر کار این جهان نیستی است      انگار که نیستی و آزاد بزی

انوری نیز سروده است (میرافضلی ۱، ص ۱۹۶؛ شروانی، ص ۳۸۶):

ای کرده دلم خراب، آباد بزی      وی بند تو بر جان من، آزاد بزی  
بر دل ز کسی اگر غمی هست تو را      آن نیز به من حواله کن، شاد بزی

اثیر آخسیگتی نیز به جرگه هم‌سرایان این رباعی پیوسته است (اخسیگتی، ص ۸۳۲):

ای گشته مرا به تیغ بیداد، بزی      کم گیر یکی بنده و آزاد بزی  
گر من ز غمت بمیرم، اِنّا لله      غم بر دل نازنین منه، شاد بزی

کمال اسماعیل اصفهانی دو رباعی با این ردیف و قافیه دارد (کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی، ص ۸۹۳؛ شروانی، ص ۱۱۶):

شادی مَطْلَب دلا، برو شاد بزی      تن در غم گردون نه و آباد بزی  
از هرچه ز تو بُرید خواهد فردا      امروز بپُسر به نقد و آزاد بزی  
در بند جهان مباش و آزاد بزی      وز باده خراب گرد و آباد بزی  
تا زنده‌ای، از مرگ نباشی ایمن      یک بار بمیر و تا ابد شاد بزی

### رباعی ۱۳

هان رودکی از قید غم آزاد بزی      با خاطر خرم و دل شاد بزی  
ویرانی خود منگر و آبادی دهر      ویرانی دهر بین و آباد بزی

(رواقی، ص ۴۳)

این از معدود اشعاری است که در چاپ نفیسی نیست و جزء یافته‌های بعدی است. رواقی منبع این رباعی را یاد نکرده است. ما در منابعی که در دسترسمان بود جستجو کردیم و، در دست‌نویسی از جواهرالخیال محمدصالح رضوی، رباعی را به نام حکیم رودکی یافتیم (رضوی، ص ۹۹)<sup>(۱۲)</sup>. چیزی که در این رباعی، بیش از همه، جلب توجه می‌کند درج تخلص «رودکی» است که خود می‌تواند یکی از دلایل مردود بودن این انتساب باشد. ما سابقه معتبری درباره ذکر تخلص

در رباعی تا زمان سنایی غزنوی ندیده‌ایم و، ظاهراً، او جزء نخستین کسانی بوده که مُهرِ اسمِ خود را بر پای بعضی رباعیاتش نهاده است. غیر از مسئله مشکوکِ درج نام رودکی در رباعی، منبع رباعی نیز حدود هفت صد سال با زمان شاعر فاصله دارد و هیچ متن معتبری از این انتساب پشتیبانی نمی‌کند. آنچه در باب ردیف و قافیه رباعی قبل گفتیم درباره این رباعی نیز صادق است.

#### رباعی ۱۴

چون پیش دل از هجر تو ناکامه نهم      پروین ز سرشک دیده بر جامه نهم  
بر نامه تو چو دست بر خامه نهم      خواهم که دل اندر شکن نامه نهم

(نفیسی ۲، ص ۵۱۶؛ رواقی، ص ۱۱۱)

نفیسی، به اعتبار فرهنگ جهانگیری و فرهنگ رشیدی و فرهنگ انجمن آرای ناصری، رباعی را جزء اشعار رودکی آورده است و رواقی آن را در بخش سروده‌های منسوب به رودکی و تحت نام مسعود سعد درج کرده. اعتبار استنادی این سه فرهنگ در برابر دیوان مسعود سعد ناچیز و حذف آن از اشعار رودکی کاری درست است. در دیوان مسعود سعد، رباعی بر مبنای چهار دست‌نویس، از جمله نسخه کهن مجموعه دواوین کتابخانه حکیم علی اوغلو، متعلق به سده هفتم یا هشتم هجری آمده است. (مسعود سعد، ص ۸۰۹)

شگفت اینجاست که رباعی را، با تغییری اندک، در دیوان ازرقی هروی (ص ۲۷۹) نیز می‌یابیم و در آنجا هم نقل رباعی متکی به مجموعه دواوین مورخ ۶۹۲ ق موزه بریتانیاست:

در پیش خود آن هجر به بدکامه نهم      پروین ز سرشک دیده بر جامه نهم  
بر نامه تو چو دست بر خامه نهم      خواهم که دل اندر شکن نامه نهم

این رباعی ممکن است از ازرقی یا از مسعود سعد باشد، اما از رودکی نتواند بود.

#### رباعی ۱۵

چون کشته ببینی ام دولب گشته فراز      وز جان تهی این قالب فرسوده به آز  
بر بالینم نشین و می‌گوی به‌ناز      کای کشته تو را من و پشیمان شده باز

(نفیسی ۲، ص ۵۱۵؛ رواقی، ص ۱۰۷)

رواقی، به دلیل درج رباعی در دیوان قطران تبریزی، آن را در بخش سروده‌های منسوب به رودکی جای داده اما نفیسی، به اعتبار نه منبع، آن را به اسم رودکی آورده است. منابع او عبارت‌اند از: تذکره هفت‌اقلیم، دیوان رودکی (چاپ تهران)، مجمع الفصحاء، منتخبات فارسی شفر، «سفینه اشعار متعلق به اقبال»، مقاله هرمان اته، عرفات العاشقین، تذکره ریاض الشعراء، و نظم گزیده. آنچه درباره منابع

«رباعی دهم» گفتیم درباره منابع این رباعی نیز راست می‌آید؛ یعنی این نقل‌های متعدد را به حساب تواتر منابع نمی‌توان گذاشت بلکه، چنان‌که پیش‌تر هم اشارتی در این موضوع رفت، رونویسی از یکدیگر است.

ذکر این نکته درباره رباعی ضروری است که زکریای قزوینی (وفات: ۶۸۲ق)، در آثارالبلاد، رباعی را، طی حکایتی، به رفیع الدین عبدالعزیز لُنبانی (شاعر قرن ششم هجری) نسبت داده و گفته که، در راه بغداد، امیری از امرای اتابک محمد بر کاروان آن‌ها شیخون آورد و او را شناخت و بگشت؛ و رفیع لُنبانی این رباعی را در هنگام قتل بگفت (قزوینی، ص ۳۰۲). البته نقل رباعی را می‌توان امری جدا از سرودن آن دانست. در هر صورت، روایت قزوینی، به دلیل قدمت، درخور توجه است.

#### رباعی ۱۶

نارفته به شاهراه و صلت گامی      نایافته از حُسن و جمالت کامی  
ناگاه شنیدم ز فلک پیغامی      کز خُیم فراق نوش بادت جامی

(نفیسی ۲، ص ۵۱۸؛ رواقی، ص ۱۱۶)

رواقی، به دلیل آنکه رباعی در بعضی منابع به نام کسایی مروزی ثبت شده، آن را در گروه سروده‌های منسوب به رودکی قرار داده است. محمدامین ریاحی نیز در کتاب کسایی مروزی آورده: «این رباعی را نفیسی از یک جنگ نقل کرده و می‌گوید به نام رودکی هم آمده است» (ریاحی، ص ۱۰۱). در واقع، منشأ انتساب این رباعی به رودکی و کسایی یک جاست! ماجرا از این قرار است که نفیسی دو منبع برای این رباعی آورده: «سفینه‌های اشعار فارسی» و «سفینه اشعار متعلق به اقبال» که در یکی به نام رودکی است و در دیگری به نام کسایی مروزی؛ و البته هر دو منبع را ذیل رباعی رودکی آورده است<sup>(۱۳)</sup>. بنابراین، کسایی و رودکی، در بحث انتساب این رباعی، سرنوشت یکسانی دارند و ترجیح یکی بر دیگری، با مستندات فعلی، از احتیاط به دور است.

#### نتیجه

فرجام سخن آنکه شمار فراوانی از رباعیات منسوب به رودکی، در منابع معتبر، به نام شاعران دیگر یافت می‌شود. برخی نیز ناهمخوانی آشکاری با سبک دوره سامانی (از نظر اصطلاحات و واژه‌های مورد استفاده و طرز سخنوری و شیوه‌های بلاغی) نشان می‌دهند. این قبیل رباعیات را باید از دفتر سروده‌های رودکی کنار گذاشت. درباره سایر رباعیات منسوب به رودکی این نکته گفتنی است که سرچشمه همه آن‌ها منابع متأخر و اغلب نامعتبر است و، در سنجه نقد و بررسی، قابل استناد برای تشخیص شیوه سخنوری رودکی، تغییر و تحوّل واژگان، تأثیرپذیری رودکی از قرآن و حدیث، تأثیر

او بر شاعران سده‌های بعد، و بررسی‌هایی از این دست نتواند بود و نتایج چنین بررسی‌هایی چندان قابل اعتماد نیست. در معیار نقد، عیار استنادی اغلب این منابع پایین است. بنده معتقدم، برخلاف تصوّر رایج، که از نقل بی‌پشتوانه شمس قیس رازی برمی‌خیزد، رودکی را نمی‌توان در جریان رباعی فارسی شاعری اثرگذار و جریان‌ساز به شمار آورد؛ و هیچ رباعی مستندی که متکی بر منابع کهن و معتبر باشد در اختیار ما نیست که چنین تصویری را تصدیق کند.

### پی‌نوشت

(۱) شواهدی از روزگاران پیش از رودکی، مبنی بر رواج رباعی در محافل صوفیه، ناقض این روایت است (نک. شفيعی کدکنی، ص ۴۷۷). ضمن اینکه ساخت فعل «همی‌رود»، از زبان کودکی که باید به زبان کودکانه سخن گوید نه ادبی دربار، باعث تعجب است.

(۲) درباره رباعیات رودکی و نقد انتساب و ویژگی‌های سبکی آن‌ها، پیش‌تر، علیرضا حاجیان‌زاد مقاله سودمندی با عنوان «تأملی در رباعیات منسوب به رودکی» (نک. منابع) به دست داده که، از منظر پژوهشی، با مقاله حاضر اختلاف دارد و حتی برداشت‌های متفاوتی درباره صحت و اصالت برخی رباعیات منسوب به رودکی در این دو مقاله به چشم می‌آید؛ و خوانندگان محترم، در مقایسه، آن را درخواهند یافت. برخی برداشت‌های نویسنده محترم درباره اصالت شماری از رباعیات منسوب به رودکی، به واسطه اطلاعات مقاله حاضر، و شناسایی گویندگان اصلی آن رباعیات قابل ارزیابی دوباره است.

(۳) همین‌جا اشاره کنم که پاره‌ای از اشعار منسوب به رودکی را نفیسی از اسرارالتوحید برگرفته؛ درحالی‌که، در آن کتاب، هیچ شعری به صراحت به نام رودکی نقل نشده است. توضیح و توجیه نفیسی این است: «مؤلف اسرارالتوحید تصریح نکرده است که این اشعار از رودکی است. اما روش آن‌ها و تعبیرات و تلفیقات و ترکیباتی که در آن‌ها به کار رفته و الفاظی که در آن‌ها آمده، همه، دلیل بر آن است که از رودکی است و به سخنان رودکی از هر شاعر دیگر مانده‌تر است» (نفیسی ۲، ص ۴۵۸). بنابراین، شماری از اشعار، طبق اجتهاد مؤلف، به رودکی نسبت یافته است. این اشعار، در کتاب سروده‌های رودکی نیز، بی هیچ اشاره‌ای، در بخش اصلی جای گرفته و رواقی در چند و چون آن تأملی روا نداشته است.

(۴) دماغ، در رباعی سنایی، به معنی مغز سر و کنایه از اندیشه‌های باطل است. در رباعی منسوب به رودکی، دماغ به معنی بینی است و با حس بویایی مرتبط است. رواقی دماغ را مجازاً به معنی «توان بویایی» (ص ۲۹۰) گرفته است. مؤلف تذکره خلاصة‌الاشعار رباعی را، به همین روایت نفیسی، به لطف‌الله نیشابوری (وفات: ۸۱۲ق) نسبت داده است. رباعی، به همین ضبط، به اعتبار نسخه‌ای که در ۱۰۶۷ق کتابت شده، در دیوان اثیرالدین آخسیگی هم جای گرفته است؛ اما دست‌نویس‌های کهن دیوان اثیر این رباعی را ندارند. (نک. میرافضلی ۲، ص ۹۰)

(۵) در ویراست دوم، کتاب میرزایف به عنوان یکی از منابع اشعار رودکی (با رقم ۸۵) مشخص شده و این نوعی سردرگمی برای مخاطب ایجاد می‌کند. منبع میرزایف چاپ اول کتاب نفیسی بوده و اشعار آن کتاب را به استناد اثر نفیسی نقل کرده است. ارجاع نفیسی در ویراست دوم به میرزایف مفهومی جز ارجاع به ویراست نخست کتاب خودش ندارد؛ و به نظر می‌رسد او برای آنکه برداشت‌های استحسان خود را در انتساب برخی اشعار به رودکی معتبر نشان دهد، یا برای پر و پیمان کردن منابع، در ویراست دوم به این اثر، همچون منبعی مستقل، ارجاع مکرر داده است.

(۶) این اصطلاح در کتاب‌هایی چون فرهنگ جهانگیری (انجو شیرازی)، سرمة سلیمانی (اوحدی بلیانی)، برهان قاطع (برهان تبریزی)، و فرهنگ رشیدی (کتبی) ثبت نشده است.

- (۷) مؤلف فرهنگ جهانگیری نویسد: «کجه انگشتري بی نگین باشد و آن را، به هندوی، چله گویند که بدان انگشت بازی کنند». (انجو شیرازی، ج ۱، ص ۷۲۸)
- (۸) گلچین معانی به انتحال تذکره‌هایی چون ریاض الشعراء و مجمع الفصحاء از عرفات العاشقین اشاره کرده و گفته است: «بعد از تقی اوحدی، کلیه کسانی که تذکره عمومی نوشته‌اند به کتاب عظیم او دستبرد زده‌اند؛ و بیشترشان نه تنها نام عرفات را در شمار مآخذ خود مذکور نداشته‌اند بلکه مؤلف آن را هم در عداد شعرای تذکره خویش نیاورده‌اند». (گلچین معانی ۱، ج ۲، ص ۹-۱۰)
- (۹) صائب تبریزی هفت غزل با ردیف «گره» دارد. (نک. صائب تبریزی، ج ۶، ص ۳۱۹۶-۳۱۹۸، ۳۲۲۵-۳۲۲۶)
- (۱۰) ضبط مصراع دوم رباعی در نسخه چاپی به همین گونه بود و از صحت آن اطمینان ندارم.
- (۱۱) بنده حدس می‌زنم «سفینه اشعار متعلق به اقبال» همان جنگ اشعار شماره «۵۳ د» کتابخانه ادبیات دانشگاه تهران است که گویا در سده دوازدهم گرد آمده و، در آن، یادداشتی به تاریخ ۱۱۶۸ ق موجود است. این حدس از آنجاست که نفیسی، در ذیل رباعی شماره ۱۵ یادداشت ما، می‌گوید که در منبع شماره ۶۳ (که همان جنگ متعلق به اقبال است) رباعی به اسم کسانی مروز است (نفیسی ۲، ص ۵۱۸، پانویس ۱). در جنگ اشعار ادبیات (ص ۴۱۲) هم این رباعی به نام کسانی آمده است. اشعار رودکی در این متن (جنگ اشعار، ص ۱۰۸-۱۱۵) با آنچه نفیسی از منبع ۶۳ خود نقل کرده است مطابقت دارد.
- (۱۲) اگرچه جواهرالخیال در سال‌های پایانی قرن یازدهم هجری گردآوری شده، این رباعی، در سفیدی بین جداول متن اصلی، به خطی غیر از متن کتابت شده و افزوده سنوات بعدی (به احتمال بسیار، در سده دوازدهم هجری) است.
- (۱۳) نفیسی، در ویراست اول کتاب، در پانویس صفحه، به این موضوع اشاره کرده (نفیسی ۱، ج ۳، ص ۱۰۴۷) اما، در ویراست دوم، این اشاره مهم را برداشته و خواننده گمان می‌برد که رباعی در هر دو منبع به نام رودکی است.

## منابع

- آلهی، سعدالدین، مجموعه رباعیات، دست‌نویس شماره ۱۷۰۶۳ کتابخانه مجلس، ۱۵۸ برگ، مورخ سده ۱۰ ق.
- آخسیکتی، اثیرالدین، دیوان اثیرالدین آخسیکتی، تصحیح محمود برای خوانساری، سخن، تهران ۱۳۹۸.
- ازرقی هروی، ابوبکر، دیوان ازرقی هروی، تصحیح مسعود راستی‌پور و محمدتقی خلوصی، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، تهران ۱۳۹۸.
- امین احمد رازی، تذکره هفت اقلیم، تصحیح سیدمحمدرضا طاهری (حسرت)، ۳ جلد، سروش، تهران ۱۳۷۸.
- انجو شیرازی، میرجمال‌الدین حسین، فرهنگ جهانگیری، ویراسته رحیم عقیفی، ۳ جلد، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد ۱۳۵۱.
- اوحدی بلیانی، تقی، عرفات العاشقین و عرصات العارفین، تصحیح سیدمحسن ناجی نصرآبادی، ۷ جلد، اساطیر، تهران ۱۳۸۸.
- اهلی ترشیزی، کمال‌الدین (۱)، دیوان مولانا کمال‌الدین اهلی ترشیزی، تصحیح سیدوحید سمنانی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران ۱۳۹۹.
- \_\_\_\_\_ (۲)، دیوان مولانا کمال‌الدین اهلی ترشیزی، دست‌نویس شماره ۸۳۳۸ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ۵۱ برگ، مورخ ۹۳۳ ق.
- باباافضل کاشانی، محمد، رباعیات باباافضل‌الدین کاشانی، به اهتمام سعید نفیسی، فارابی، چاپ دوم، تهران ۱۳۶۳.

برهان تبریزی، محمدحسین بن خلف، برهان قاطع، به اهتمام محمد معین، ۵ جلد، امیرکبیر، چاپ پنجم، تهران ۱۳۶۲.

تتوی، عبدالرشید، فرهنگ رشیدی، تصحیح محمد عباسی، ۲ جلد، بارانی، تهران ۱۳۳۷.  
تقی‌الدین کاشی (کاشانی)، محمد بن شرف‌الدین، خلاصة الأشعار و زبدة الأفكار، دست‌نویس شماره ۷۷۹۰ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ۴۶۳ برگ، مورخ سده ۱۱ ق.

مُجَنگ / شعار، دست‌نویس شماره «۵۳ د» کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، ۲۵۸ برگ، مورخ سده ۱۲ ق.  
حاجیان‌نژاد، علیرضا، «تأملی در رباعیات منسوب به رودکی»، در رودکی سرآمد شاعران فارسی (مجموعه مقالات)، به کوشش منوچهر اکبری، خانه کتاب، چاپ دوم، تهران ۱۳۸۸، ص ۹۷-۱۱۵.

رشید و طواط، رشیدالدین محمد (۱)، دیوان رشیدالدین و طواط، به تصحیح سعید نفیسی، بارانی، تهران ۱۳۳۹.  
\_\_\_\_\_ (۲)، مجموعه دواوین، کتابت ابونصر محمد یمینی و محمدشاه اصفهانی، دست‌نویس شماره ۱۰۳ کتابخانه چسپریتی، فیلم شماره ۱۸۶۵ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ۴۰۱ برگ، مورخ ۶۹۹ ق.

\_\_\_\_\_ (۳)، اِبکارالافکار فی الرسائل والأشعار، دست‌نویس شماره ۲۳۲۶ از مجموعه احمد ثالث کتابخانه طوقوسرای، فیلم شماره ۶۹ کتابخانه مجتبی مینوی، کتابت محمد بن سیف نوقارینی، ۹۸ برگ، مورخ ۷۲۷ ق.  
رضوی، محمدصالح، جواهرالخیال، دست‌نویس شماره ۴۵۱۸ آستان قدس رضوی، کتابت لطفعلی یوزباشی ایواغلی، ۵۸ برگ، مورخ سده ۱۲ ق.

رواقی، علی، سروده‌های رودکی، فرهنگستان زبان و ادب فارسی (نشر آثار)، تهران ۱۳۹۹.  
ریاحی، محمدمین، کسای مروزی (زندگی، اندیشه، و شعر او)، توس، تهران ۱۳۶۷.  
سفینه نوح، دست‌نویس شماره ۹۰۰ کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ۲۷۹ برگ، مورخ سده ۸ ق.  
سنایی غزنوی (۱)، دیوان حکیم سنایی غزنوی، به اهتمام [محمدتقی] مدرّس رضوی، کتاب‌فروشی ابن‌سینا، تهران ۱۳۴۱.

\_\_\_\_\_ (۲)، کلیات سنایی، دست‌نویس شماره ۲۶۲۷ کتابخانه بایزید ولی‌الدین، فیلم شماره ۱۳۴ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ۳۹۷ برگ، مورخ ۶۸۴ ق.

شروانی، جمال‌خلیل، نزهة المجالس، تصحیح محمدمین ریاحی، زوّار، تهران ۱۳۶۶.  
شفیعی کدکنی، محمدرضا، موسیقی شعر، آگاه، چاپ دوم، تهران ۱۳۷۰.  
شمس تبریزی، مقالات شمس تبریزی، تصحیح محمدعلی موحد، خوارزمی، تهران ۱۳۶۹.  
شمس قیس رازی، المعجم فی معاییر اشعار العجم، تصحیح محمد بن عبدالوهاب قزوینی، به اهتمام [محمدتقی] مدرّس رضوی، زوّار، چاپ سوم، تهران ۱۳۶۰.

صائب تبریزی، دیوان صائب تبریزی، به کوشش محمد قهرمان، ۶ جلد، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران ۱۳۷۰.  
صفری آق‌قلعه، علی، اشعار فارسی پراکنده در متون، ۲ جلد، انتشارات دکتر محمود افشار-سخن، تهران ۱۳۹۵.  
ظهوری ترشیزی، نورالدین، رباعیات ظهوری ترشیزی، به کوشش اکبر بهداروند، مولی، تهران ۱۳۸۹.  
عرفی شیرازی، کلیات عرفی شیرازی، به کوشش محمد ولی‌الحق انصاری، ۲ جلد، انتشارات دانشگاه تهران، تهران ۱۳۷۸.

عزالدین عبدالعزیز کاشی (کاشانی)، ابن ابی الغنّام، روضة الناظر و نزهة الخاطر، دست‌نویس شماره ۷۶۶ کتابخانه دانشگاه استانبول، فیلم شماره ۲۴۷ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ۳۰۴ برگ، مورخ سده ۸ ق.



- عوفی، محمد، *لُبَّابُ الْأَلْبَابِ*، به کوشش سعید نفیسی، کتاب فروشی علمی، تهران ۱۳۳۵.
- قزوینی، زکریا، *آثار البلاد و اخبار العباد*، تصحیح فردیناند وِشْتِنِفُلْد، گوتینگن، آلمان ۱۸۴۸ م.
- کمال الدین اسماعیل اصفهانی، دیوان کمال الدین اسماعیل اصفهانی، به اهتمام حسین بحر العلومی، دهخدا، تهران ۱۳۴۸.
- گلچین معانی، احمد (۱)، تاریخ تذکره‌های فارسی، ۲ جلد، سنایی، تهران ۱۳۶۳.
- \_\_\_\_\_ (۲)، فرهنگ اشعار صائب، ۲ جلد، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران ۱۳۶۴.
- گلستانه، محمود، انیس الوحدة و جلیس الخلو، تصحیح مجتبی مطهری، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، تهران ۱۳۹۱.
- لاله تیک چند بهار، بهار عجم، تصحیح کاظم دزفولیان، ۳ جلد، طلایه، تهران ۱۳۸۰.
- مجد همگر (۱)، مجد الدین احمد، دیوان مجد همگر، به کوشش احمد کرمی، ما، تهران ۱۳۷۵.
- \_\_\_\_\_ (۲)، رباعیات مجد همگر، دست‌نویس شماره Or.3713 موزه بریتانیا، کتابت اسحاق بن قوام بن همگر، عکس شماره ۲۳۴-۲۳۵ کتابخانه مینوی، ۱۷۹ برگ، مورخ ۶۹۷ ق.
- محمد پادشاه، فرهنگ آندراج، ۳ جلد، مطبعة نولکشور، لکهنو ۱۳۱۳ ق.
- مسعود سعد سلمان، دیوان مسعود سعد سلمان، تصحیح محمد مهیار، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران ۱۳۹۰.
- میرافضلی، سید علی (۱)، *جُنگ رباعی*، سخن، تهران ۱۳۹۴.
- \_\_\_\_\_ (۲)، *کتاب چهار خطی*، سخن، تهران ۱۳۹۶ ق.
- میرزایف، عبدالغنی، ابو عبدالله رودکی، نشریات دولتی تاجیکستان، استالین‌آباد [= دوشنبه امروزی] ۱۹۵۸ م.
- نفیسی، سعید (۱)، احوال و اشعار ابو عبدالله محمد رودکی سمرقندی، جلد ۳، کتاب فروشی ادب، تهران ۱۳۱۹.
- \_\_\_\_\_ (۲)، محیط زندگی و احوال و اشعار رودکی، امیرکبیر، تهران ۱۳۳۶.
- واله داغستانی، علیقلی، تذکره ریاض الشعراء، تصحیح سید محسن ناجی نصرآبادی، ۵ جلد، اساطیر، تهران ۱۳۸۴.
- یاراحمد رشیدی تبریزی، ابن حسین، *طربخانه (رباعیات ختام)*، تصحیح جلال الدین همایی، هما، تهران ۱۳۶۷.

